26814 ـ روزه‌ی رمضان بر چه کسانی واجب است؟

سوال

روزه‌ی رمضان برای چه کسی واجب است؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

روزه در صورت فراهم بودن پنج شرط بر شخص واجب می‌شود:

۱ـ مسلمان باشد

۲ـ مُکلف باشد

۳ـ توانایی روزه را داشته باشد

۴- مقیم باشد

۵- موانع روزه وجود نداشته باشد

این‌ها پنج شرطی است که در صورت فراهم بودن در یک شخص، روزه‌ی رمضان برای وی واجب خواهد بود.

با شرط اول، کافر از وجوب روزه‌ی رمضان خارج می‌گردد، زیرا اولا روزه برای وی لازم نیست و ثانیا در صورتی که روزه بگیرد روزه‌اش قبول نخواهد بود و اگر مسلمان شود لازم نیست قضای روزه‌های پیشین را به جای آورد.

دلیل آن سخن الله متعال است که می‌فرماید:

وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلاَّ أَنَّهُمْ كَفَرُواْ بِاللّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلاَ يَأْتُونَ الصَّلاَةَ إِلاَّ وَهُمْ كُسَالَى وَلاَ يُنفِقُونَ إِلاَّ وَهُمْ كَارِهُونَ [توبه: ۵۴]

(و هیچ چیز مانع پذیرفته شدن انفاق‌های آنان نشد جز آنکه به خدا و پیامبرش کفر ورزیدند و جز با حال کسالت نماز به جای نمی‌آورند و جز با کراهت انفاق نمی‌کنند).

اگر انفاق که سودش فراتر از شخص است [و به دیگران هم می‌رسد] به سبب کفرشان از آنان پذیرفته نمی‌شود، عبادات خاص [که مخصوص فرد است و سودش به دیگران نمی‌رسد] من باب اولی پذیرفته نخواهد شد.

و اینکه قضای روزه‌های پیشین برای کافری که تازه مسلمان شده لازم نیست به دلیل این سخن پروردگار است که می‌فرماید:

قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ إِن يَنتَهُواْ يُغْفَرْ لَهُم مَّا قَدْ سَلَفَ [انفال: ۳۸]

(به کسانی که کفر ورزیده‌اند بگو اگر باز ایستند [و از کفر دست کشند] آنچه گذشته است برایشان آمرزیده می‌شود).

همچنین به تواتر از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ ثابت شده که به کسانی که مسلمان می‌شدند دستور نداده‌اند تا واجباتی که از آنان فوت شده را انجام دهند.

اما آیا کافری که اسلام نیاورده در آخرت برای روزه‌هایی که به جای نیاورده مجازات می‌شود؟

پاسخ:

بله به خاطر ترک روزه و دیگر واجبات مورد مواخذه قرار می‌گیرد، زیرا وقتی مسلمان مطیع خداوند که به شرع وی پایبند است در صورت ترک واجبات مورد بازخواست قرار می‌گیرد، من باب اولی مستکبران نیز مورد بازخواست قرار خواهند گرفت، و اگر کافر برای نعمت‌های خداوند مانند غذا و نوشیدنی و لباسی که استفاده کرده عذاب می‌شود، من باب اولی به سبب ارتکاب حرام و ترک واجبات عذاب خواهد شد. این از جهت قیاس.

اما از جهت نص، الله متعال درباره‌ی اصحاب یمین چنین نقل کرده که خطاب به مجرمان می‌گویند:

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ (۴۲) قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (۴۳) وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ (۴۴) وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ (۴۵) وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ [مدثر: ۴۲ – ۴۶]

(چه چیز شما را در [آتش] سقر در آورد؟ (۴۲) گویند: از نمازگزاران نبودیم (۴۳) و بینوایان را غذا نمی‌دادیم (۴۴) و با هرزه‌گویان هرزه‌گویی می‌کردیم (۴۵) و روز جزا را دروغ می‌شمردیم).

این‌ها چهار عاملی است که باعث جهنمی شدن آنان شده است: ترک نماز، ترک زکات، هرزه‌گویی مانند تمسخر آیات پروردگار، و تکذیب روز جزا.

شرط دوم:

اینکه شخص مکلف باشد و مکلف یعنی انسان بالغ عاقل، زیرا کودک و دیوانه اهل تکلیف نیستند.

بلوغ با یکی از سه نشانه که در سوال شماره‌ی (70425) به آن پرداخته شده، حاصل می‌گردد.

عاقل برعکس دیوانه است. دیوانه یعنی آنکه عقل ندارد مانند مجنون یا سبک مغز. هر کسی که به هر وصفی عقل نداشته باشد مکلف نیست و هیچ یک از واجبات دین برایش الزامی نیست؛ نه نماز و نه روزه و نه حتی غذا دادن به جای روزه، یعنی مطلقا هیچ چیز بر وی واجب نیست.

شرط سوم:

شخص باید توانا باشد، یعنی توانایی روزه گرفتن را داشته باشد، اما عاجز و ناتوان روزه بر وی واجب نیست، چنانکه الله متعال می‌فرماید:

وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ [بقره: ۱۸۵]

(پس هر که بیمار یا در سفر است [باید به شمار آن] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]).

اما این ناتوانی دو نوع است: موقتی و دائمی.

ناتوانی موقتی همان موردی است که در آیه‌ی پیشین به آن اشاره شده است، مانند بیماری‌ای که امید شفایش هست و مسافر، که برای این‌ها جایز است روزه نگیرند و سپس قضای آنچه فوت شده را به جای آورند.

ناتوانی همیشگی مانند بیماری که امیدی به شفای بیماری‌اش نیست یا کهن‌سالی که توانایی روزه را ندارد و این همان موردی است که در این سخن الله متعال اشاره شده است:

وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ [بقره: ۱۸۴]

(و بر کسانی که طاقت آن را ندارند، کفاره‌ای است که خوراک دادن به بینوایی است).

ابن عباس این آیه را چنین تفسیر کرده که پیرمرد و پیرزن اگر توانایی روزه را ندارند برای هر روز یک بینوا را غذا می‌دهند.

شرط چهارم:

اینکه شخص مقیم باشد، اما اگر مسافر باشد روزه برای وی واجب نیست، زیرا پروردگار متعال فرموده است:

وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ [بقره: ۱۸۵]

(و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شمار آن] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بگیرد]).

علما بر این مساله اجماع دارند که برای مسافر جایز است روزه نگیرد.

بهتر آن است که مسافر آنچه را برایش آسان‌تر است انجام دهد، و اگر روزه برایش مضر باشد روزه گرفتن حرام خواهد بود، زیرا الله متعال می‌فرماید:

وَلاَ تَقْتُلُواْ أَنفُسَكُمْ إِنَّ اللّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا [نساء: ۲۹]

(و خودتان را نکشید زیرا الله همواره با شما مهربان است).

آیه‌ی فوق دال بر این است که هر چه برای انسان زیانبار است از نظر شرع ممنوع می‌باشد. به سوال شماره‌ی (20165) مراجعه نمایید.

اگر پرسیده شود: معیار ضرری که روزه را حرام می‌سازد چیست خواهیم گفت:

ضرر یا از طریق حس فهمیده می‌شود یا از طریق خبر. از طریق حس به این صورت که بیمار احساس می‌کند روزه به زیان اوست و باعث درد و سختی و یا تاخیر درمانش می‌شود.

خبر نیز یعنی آنکه پزشکی آگاه و مورد اعتماد به او بگوید روزه برای سلامتی‌اش مضر است.

شرط پنجم:

نبودن موانع روزه. این شرط مخصوص زنان است زیرا زنانی که در عادت ماهیانه هستند و همینطور زنانی که دچار نفاس می‌باشند روزه برایشان لازم نیست، زیرا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ می‌فرماید: آیا اینگونه نیست که زن وقتی حیض شود نماز نمی‌خواند و روزه نمی‌گیرند؟ بنابراین به اجماع روزه برای آنان لازم نیست و بلکه قضای آن واجب است.

الشرح الممتع (۶/ ۳۳۰)

والله اعلم.